

# رویکرد ژئوکالچری و تبیین جایگاه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در روابط با آلمان

محمد براریان

کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه مازندران

مرتضی علویان<sup>۱</sup>

دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه مازندران

## چکیده

دیپلماسی فرهنگی در گستره روابط بین‌الملل، در جهت توسعه روابط و ارتباطات در بین کشورها جایگاه ویژه‌ای یافته و سبب همسویی میان دولت‌ها و ملت‌ها گردیده است. در این راستا، مهم‌ترین بسترهای همکاری مشترک جمهوری اسلامی ایران و آلمان که سبب گسترش مناسبات دو کشور شده است این است که هر دو کشور در حوزه سیاست خارجی، دیپلماسی فرهنگی را سرلوحه روابط خود قرار داده‌اند. در واقع، دیپلماسی فرهنگی به عنوان یکی از ابزارهای به کارگیری قدرت نرم در پشتیبانی سیاست خارجی کشورها که هنر تقویت و حصول منافع ملی کشورها را برعهده دارد، در فراهم آوردن بسترهای همکاری‌های مشترک، فهم و معرفی فرهنگ‌ها و تبادل ارزش‌های فرهنگی و تثبیت روابط حسنه میان دولت‌ها تاثیر بسزایی دارد؛ با این رویکرد، جایگاه ژئوکالچری کشورها از طریق نفوذ فرهنگی در جغرافیای جهانی مشخص می‌شود. با این تفاسیر، این پژوهش درصدد است تا دریابد که دیپلماسی فرهنگی چه تاثیری بر مناسبات ایران با کشور آلمان در ساختار ژئوکالچری جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ یافته‌های پژوهش با گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و اسنادی و تجزیه و تحلیل اطلاعات و روش تبیینی بیانگر آن است که دیپلماسی فرهنگی موجب ارتقای سطح همکاری‌های دو کشور در حوزه‌های مختلف و افزایش نفوذ ژئوکالچری ایران در جمهوری فدرال آلمان شده است.

کلیدواژگان: دیپلماسی فرهنگی، ژئوکالچر، سیاست خارجی، ایران، آلمان، قدرت نرم، صنعت فرهنگی.

## مقدمه

در تحولات دهه‌های اخیر عواملی که برآیند آن‌ها در مجموع قدرت یک کشور را پدید می‌آورند با گذشته تفاوت بسیار کرده است. اینک بیش از پیش بر نقش عوامل غیرمادی قدرت تأکید می‌شود و قدرت، خصلتی نرم افزاری یافته است (بصیری و خوانساری‌فردی، ۱۳۹۵: ۸۱). بر همین اساس، به باور بسیاری از صاحب‌نظران علم روابط بین‌الملل، «مولفه‌ی فرهنگی» رکن چهارم بعد از ملاحظات «سیاسی»، «اقتصادی»، «امنیتی»، سیاست خارجی را تشکیل می‌دهد که در بسیاری مواقع سه مولفه دیگر از آن نشأت می‌گیرند (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۹۵: ۱۶). از این رو، دیپلماسی فرهنگی به عنوان ابزار قدرت نرم کشورها را در فهم متقابل فرهنگی و پشتیبان‌سازی در پیشبرد روابط و مناسبات و تأمین منافع ملی ترغیب به همکاری کند؛ ولی تحول در عرصه جهانی شدن، امنیت بین‌الملل، ناآرامی‌ها و درگیری‌های مذهبی سبب شده، ارزش و اهمیت دیپلماسی فرهنگی بر اساس گفتگو، تفاهم و تعامل در ساختار روابط بین‌الملل اهمیت بسزایی داشته باشد (McClory, 2017: 114)؛ که جایگاه مهمی در سیاست خارجی کشورها و از جمله ایران جمهوری اسلامی برخوردار شده است.

بر این اساس، با توجه به شرایط و وضعیت خاص سیاسی کشور و نگاه منفی به جمهوری اسلامی ایران که زاینده نظام سلطه جهانی است. جمهوری اسلامی را در عرصه جهانی با چالش‌های جدی مواجه کرده که بر اثر تحولات سیاسی و مذهبی در منطقه هویت و فرهنگ ایرانی امنیتی شده است. از این رو جمهوری اسلامی ایران باید در قالب دیپلماسی فرهنگی باز و شفاف تلاش نماید تا از فرهنگ و هویت ایرانی امنیت‌زادی کند (اژدری، فرهنگی و همکاران، ۱۳۹۶: ۶۹). به نظر می‌رسد بازیابی جایگاه تمدنی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین‌المللی با استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی فرهنگی می‌تواند در بهبود روابط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور در عرصه بین‌الملل بسیار مهم و کارگشا باشد. انقلاب اسلامی ایران علاوه بر دگرگون ساختن سیاست و اقتصاد، حوزه فرهنگ را نیز دستخوش تغییر نمود، به نحوی که میتوان از فرهنگ پیش و پس از انقلاب اسلامی سخن به میان آورد. به ویژه برجسته شدن عناصر اسلامی و مذهبی در فرهنگ ایران و کمرنگ شدن آئین‌های ملی و باستانی از جمله پیامدها و دگرگونی‌های اساسی انقلاب اسلامی محسوب میشود. نباید فراموش کرد که انقلاب اسلامی حقیقتاً انقلاب فرهنگی است، و مبتنی بر مبانی و مفاهیم از این قبیل است (جعفری و براریان، ۱۳۹۸: ۱۸).

جایگاه دیپلماسی عمومی و نیز عوامل فرهنگی و ضرورت ارتباط با مردم دیگر کشورها بعد از خاتمه جنگ سرد، در دیپلماسی کاهش پیدا کرد. اما از اواسط دهه نود میلادی، با احیای خشونت‌های قومی در مناطق مختلف جهان، توجه مجدد به دیپلماسی عمومی و در کل به عوامل فرهنگی بیشتر شد (علویان و براریان، ۱۳۹۸: ۱۲).

در این میان یکی از روابطی که می‌تواند جایگاه مهمی در دیپلماسی سیاست خارجی ایران داشته باشد روابط با آلمان است. طبیعت زیبای دو کشور، مکان‌های تاریخی و گردشگری فرهنگی، وجود عناصر فرهنگی و آموزه‌های فرهنگی ملی، ارتباطات علمی و علایق دو ملت و اراده سیاسی دو کشور می‌تواند سطح همکاری را در شکل‌گیری روابط فرهنگی و ایجاد و تقویت رایزنی فرهنگی مورد تاکید قرار دهد (حسن‌نژاد، ۲۰۱۴: ۱۲). با توجه به اهداف و فعالیت‌ها، سوالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که دیپلماسی فرهنگی چگونه می‌تواند عامل تاثیرگذار در سیاست خارجی ایران در روابط با آلمان باشد؟ پژوهش حاضر تلاش دارد با ضمن بررسی ظرفیت‌های فرهنگی دو کشور، شکل‌گیری روابط فرهنگی، عملکردها و اقدامات ایران در روابط با آلمان را در حوزه فعالیت‌های فرهنگی به روش تبیینی مورد ارزیابی قرار دهد.

### مبانی نظری

نظریه فرهنگی رویکردی نظری به مطالعه فرهنگ است که نقطه شروع آن را باید بررسی مفاهیم فرهنگ در نظر گرفت. در کنار بررسی مفاهیم فرهنگ، هدف نظریه فرهنگی تنها این نیست که درباره فرهنگ بحث کند یا سیاهه‌ای از مصادیق آن به دست دهد بلکه به دنبال نظریه‌پردازی درباره آن است. بر این اساس، نظریه فرهنگی روابط بین‌الملل که توسط ریچارد ندلیو مطرح شده، ساختاری برای مطالعه سیاست و نظریه روابط بین‌الملل ارائه می‌گردد (اظهري و همکاران، ۱۴۰۱). نظریه سازه‌انگاران وی از روابط بین‌الملل هم بر پایه نظریه‌های انگیزش و هویت‌یابی یونان باستان شکل گرفته است. این نظریه بر نیاز انسان به عزت نفس تاکید دارد و نشان می‌دهد که چگونه این عامل بر رفتار سیاسی در تمام مراحل رشد اجتماعی اثرگذار است (Stokowski, 2015: 53).

لیبو چهار متغیر اساسی که نیازهای بشری را منعکس می‌کنند مورد توجه قرار می‌دهد؛ روح‌بنیان، اشتها بنیان یا ترس بنیان و عقل. این متغیرها به هم پیوسته هستند و هر چهار محرک را می‌توان به درجات متفاوت در یک واحد یا نظام مشاهده کرد. به نظر او، متغیر اشتها بنیان بر ساختار تفکر نظام بین‌الملل سلطه یافته و چشم‌انداز اصلی در روابط بین‌الملل بنیان نهاده است. لیبو بر این معتقد است که لیبرالیسم، مارکسیسم و سازه‌انگاری ونت ساختار مادی دارند و نمونه‌ای از نظام بین‌الملل را تداعی می‌کنند که اساس آن در متغیرهای اشتها بنیان نهادینه شده است. به نظر وی واقع‌گرایی و لیبرالیسم متغیر روح‌بنیان را در نظر نمی‌گیرند؛ و بیشتر به آن به عنوان هدف برای پیشبرد قدرت می‌نگرند. این رویکردها هویت کنشگران را غیرمهم و بی‌ربط می‌دانند (Rösch & ned lebow, 2017: 138).

همچنین، در بحث خرد به نظر وی هرچه جامعه به سمت عقل قرار بگیرد اثبات‌تر خواهد بود. زمانی که عقل کنترل خود را بر انگیزه‌های اشتها بنیان و روح‌بنیان از دست بدهد احتمال دگرگونی نظام بین‌الملل هراس بنیان سوق می‌دهد که حرکت معکوس از نظم و عدالت به سمت بی‌نظمی و بی‌عدالتی را تداعی می‌گردد. با وجود این، در پس هر یک از این متغیرها فهمی نهفته است که به همکاری، منازعه و یا خطرپذیری می‌انجامد؛ و هر

یک پتانسیل ایجاد نظم را دارند (مرتضایی و همکاران، ۱۳۹۸). بر این اساس، این متغیرات الگوها و مفاهیمی را به ما عرضه می‌کند که می‌توانند در جنبه‌های متنوع شخصی، عمومی و فکری زندگی به کار گرفته شوند؛ و از طریق آن آگاهانه به جهان اطراف خود واکنش نشان داده و به سطح متعالی‌تری از اشراف و تسلط دست یابیم (دهقانی فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۱۱).

با این تفاسیر، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که برآمده از اراده ملت ایران و آمیخته به فرهنگ، تمدن و هنر ایرانی - اسلامی همراه با پیام انقلاب اسلامی در عصر معاصر است. در بین ملت‌ها و کشورهای آزاده جهان جایگاه و اهمیت ویژه‌ای دارد. فعالیت‌های فرهنگی ایران با آلمان می‌تواند دو جنبه داشته باشد؛ اولاً شناخت هر یک از طرفین نسبت به اصول و مبانی فکری، فرهنگی، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های یکدیگر. ثانیاً معرفی و شناساندن این اصول، مبانی و ارزش‌های فکری و فرهنگی به همدیگر (قریبی و همکاران ۱۴۰۱). بی‌شک فعالیت در این حوزه می‌تواند به مفاهمه بیشتر و بهتر میان دو کشور به کار گرفته و به مرور زمان سبب پایه‌ریزی روابط عمیق و پایدار فرهنگی ایران با آلمان شود. این تعمیق حتی می‌تواند به حوزه‌های سیاسی - اقتصادی هم تسری یابد.

### جایگاه فرهنگ در سیاست خارجی ایران

در عصر حاضر فرهنگ و مناسبات فرهنگی نقش مهم و بسزایی در تحقق اهداف منافع ملی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی کشورها ایفا می‌نماید و دولت‌ها از طریق نفوذ، ایجاد و توسعه پایگاه‌های فرهنگی در خارج به عنوان یک هدف استراتژیک در سیاست خارجی، نیل به اهداف یاد شده را تسهیل می‌نمایند (Fokin & Shirin, 2017: 45). به عنوان مثال می‌توان به سیاست ایالات متحده آمریکا در کادرسازی و تاثیرگذاری بر نسل جوان و نخبگان در کشورهای جهان سوم به ویژه در کشورهای آسیای میانه و قفقاز پس از فروپاشی شوروی و استقلال این کشورها اشاره نمود که از طریق نهادهایی همچون سپاه صلح، شورای بین‌المللی آموزشی موسوم به «اکسلس»، سازمان نیکوکارانه حمایت از آزادی و.. صورت گرفت (Lawson, 2018: 1-2). چنانکه این رویکرد در سال ۱۹۶۱ به ابتکار جان اف کندی رئیس جمهوری وقت آمریکا و با تصویب کنگره این کشور با هدف معرفی فرهنگ و آداب و رسوم آمریکایی‌ها به ملل جهان از یک سو و شناخت دقیق فرهنگ سایر ملل در جهت رسیدن در جهت نیل به اهداف فرهنگی و سیاسی خود از سویی دیگر همچنین ترویج مسیحیت و کسب چهره مثبت در بین‌الملل تاسیس گردید (Luke, 2013: 76). این قانون در آمریکا هم‌چنان در حال اجرا می‌باشد و تاکنون دستاوردهای مثبتی را به همراه داشته است.

با این تفاسیر، جایگاه فرهنگ در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فرهنگ دولت اسلامی در خدمت هدف‌های سیاسی قرار نمی‌گیرد، بلکه مهم‌ترین هدف آن افزایش آگاهی‌ها و بینش سیاسی کشورها نسبت به هویت اصیل اسلامی و الهی آنها است. در تعریف دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران می‌توان اینگونه بیان کرد که «مبادله و تبادل ایده‌ها، انگاره‌ها، ایده‌ال‌ها، اندیشه‌ها، اطلاعات، هنر، دانش، مهارت‌ها، باورها،

سنت‌ها و سایر ویژگی‌ها و عناصر فرهنگی میان ایران و دیگر کشورها و ملت‌ها برای ایجاد و تقویت درک و فهم متقابل» (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۷: ۱۲۰). دیپلماسی فرهنگی از روابط و تبلیغات فرهنگی متمایز می‌شود؛ چون برخلاف تبلیغات، هدف دیپلماسی فرهنگی، تعامل و در آمیختن با مخاطبان خاص است و نه القاء پیام‌های غیرواقعی و تحریف شده. در دیپلماسی، تأکید بر روابط متقابل پایدار و طولانی مدت و نه مبارزه سیاسی کوتاه مدت و گذرا است. هدف‌های جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی فرهنگی شامل شناساندن وضع موجود به جهانیان، رساندن پیام اسلام ناب به مسلمانان جهان، بازسازی هویت فرهنگی اسلامی-ایرانی و تصویرسازی صحیح از جمهوری اسلامی ایران در نزد جهانیان است (میرفخرایی و فیروزمندی، ۱۳۹۶: ۴۳۵).

در الگوی ژئوکالچری دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی به لحاظ اسلامی و انقلابی بودن آن، تنها از راه دیپلماسی همه‌جانبه و از جمله دیپلماسی فرهنگی می‌تواند جهانی شود؛ زیرا آنچه ماهیت سیاست خارجی ایران را شکل می‌دهد جوهره فرهنگی آن است (دهشیری، ۱۳۹۳: ۳۲۵). بنابراین هدف‌ها و سازوکارهای فرهنگی در سیاست خارجی کشور، تقدم و اولویت ویژه‌ای دارند. رسالت و تعهدات ایران به سطح ملی یا منطقه‌ای محدود نمی‌شود؛ بلکه هدف اساسی آن همه ملت‌های اسلامی و فراتر از آن، تمام مردم و دولت‌ها هستند. این ویژگی، الگوی دیپلماسی فرهنگی ایران را از سایر کشورها متمایز می‌سازد. همچنین هدف آن فقط معطوف به هدف‌های مادی نیست؛ بلکه به تبع هدف‌های معنوی، معنی و مفهوم می‌یابد.

### رویکرد نظری دیپلماسی فرهنگی ایران:

در هر رشته علمی از جمله علوم سیاسی و روابط بین‌الملل برای درک پدیده‌ها و اندیشه‌ها در روابط درونی آن‌ها و برای هدایت پژوهش به هدف سودمند و در نهایت تجویز سیاست‌گذاری درست و معقول، وجود نظریه ضرورت اساسی دارد. بنابراین همه طرح‌های نظری پیشنهاد شده برای یافتن راه‌حل مفصل اساسی در روابط بین‌الملل به منظور جلوگیری از جنگ و در عین حال قادر ساختن جوامع به حفظ ناب‌ترین و گرامی‌ترین ارزش‌های خود، قابل احترام است. لذا در این پژوهش از واکاوی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران باید بهره‌گرفت (سیمبر و مقیمی، ۱۳۹۴: ۱۴).

از این نظر، رویداد بزرگی چون انقلاب اسلامی علاوه بر دگرگون کردن سیاست و اقتصاد، حوزه فرهنگ را نیز با تغییر روبه‌رو کرد. به شکلی که می‌توان از فرهنگ پیش و پس از آن سخن گفت. از این رو می‌توان چنین گفت که سیاست فرهنگی ایران، سیاست انقلاب اسلامی است. انقلاب اسلامی بدین معناست که فرهنگ اسلامی در همه شئون فردی و اجتماعی کشور اصل و مبنا قرار گرفته است. در این راستا از نظر امام خمینی (ره) به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی، ساختار جامعه را فرهنگ پایه‌ریزی می‌کند و ضمن تایید ضرورت‌های مادی و اقتصادی به‌عنوان یکی از ابعاد هستی انسان، شالوده‌ی فرهنگ را تعیین‌کننده و امور دیگر را تابعی از

- آن می‌شناخت (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۸۹: ۱۲۴). مهم‌ترین کارکردهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در بستر رویکرد ژئوکالچری عبارت است از:
۱. ارائه هویت، شخصیت و روح فرهنگی - تمدنی ملت باستانی ایران؛
  ۲. نمایش و عرضه ارزش‌ها و ویژگی‌های فرهنگی ایران؛
  ۳. ارائه تصویر واقعی و مثبت از مردم و دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان ملتی متمدن، با فرهنگی سازنده و زاینده (اژدری و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۳).
  ۴. نمایش و ترویج ارزش‌های فرهنگی مشترک ایران با سایر ملت‌های جهان، ارزش‌هایی مانند عدالت، مردم‌سالاری، آزادی، انساندوستی و کرامت بشری؛
  ۵. توسعه روابط مردم با مردم که پایدار و درازمدت بوده و با تغییر حکومت‌ها از بین نمی‌رود؛
  ۶. تأثیرگذاری بر نخبگان علمی - فرهنگی کشورهای دیگر از راه به کارگرفتن دیپلماسی غیررسمی؛
  ۷. فراهم ساختن بستر و زمینه لازم برای برقراری تماس با افکار عمومی سایر کشورها؛
  ۸. تهیه دستور کار مثبت برای همکاری با ملت‌هایی که دولت‌های آنان با جمهوری اسلامی ایران اختلاف‌های سیاسی دارند (رضایی و زهره‌ای، ۱۳۹۰: ۳۳۰).
  ۹. کمک به اعتماد و تسهیل اعتمادسازی با سایر کشورها و ملت‌ها که زمینه‌ساز همکاری‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی با آنان خواهد بود؛
  ۱۰. تهیه بستر، ابزار و وسایل منطقی و معقول برای بازسازی مناسبات با کشورهایی که به دلیل اختلاف - های سیاسی و منافع ملی با جمهوری اسلامی ایران، روابط دیپلماتیک ندارند.
  ۱۱. ایجاد فضای فرهنگی و اخلاقی مثبت برای مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانه؛
  ۱۲. کمک به همکاری و هماهنگی فرهنگی کشورهای همسو با جمهوری اسلامی ایران برای مبارزه با امپریالیسم فرهنگی و استقرار نظم فرهنگی - اطلاعاتی نوین منطقه‌ای و جهانی؛
  ۱۳. برقراری و تسهیل روابط و مبادلات بین هنرمندان، دانشمندان و نخبگان فرهنگی - علمی جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها و ملت‌های جهان؛
  ۱۴. ارائه راهکارها و ایجاد سازوکارهای مؤثر برای انتقال یافتن اشکال و ابعاد جدیدی برای همکاری‌های گسترده‌تر فرهنگی، علمی و آموزشی بین جمهوری اسلامی ایران و کشورها و ملت‌های دیگر (فخرایی و فیروزمندی، ۱۳۹۶: ۴۳۶).
  ۱۵. افزایش قدرت نرم دولت و گسترش نفوذ ژئوکالچری در مناطقی که قرابت‌های فرهنگی و علقه‌های ارزشی همگرایی وجود دارد
- شاخص‌های دیپلماسی فرهنگی ایران

فرهنگ ایرانی و اجتماع فرهنگی ایران پیش از دوران معاصر، نزدیک به سه هزار سال پیشینه دارد و طی این دوران دراز، پیوستگی اش را از دست نداده و نوعی خودآگاهی فرهنگی و تعلق به فرهنگ ایرانی همیشه در ذهن مردم ایران حضور داشته است؛ اما این نوع آگاهی‌های تاریخی؛ نوین، علمی و عینی نیست و با پیشرفت‌های علمی در سده‌های اخیر همگام نبوده است. از این رو در شرایط کنونی به دلایل گوناگون اقتصادی، جهانی و داخلی که جمهوری اسلامی ایران با چالش‌هایی روبه‌رو است، در صورت برنامه‌ریزی فرهنگی در داخل و استفاده از آن به عنوان اهرم تأثیرگذار در شرایط فعلی جهانی در قالب دیپلماسی فرهنگی، می‌تواند به ارتقای سطح روابط متقابل و افزایش آگاهی و درک ایران با سایر کشورهای جهان، مثبت ارزیابی شود. لذا با توجه به این، برخی از تأثیرگذارترین شاخص‌های فرهنگی و ظرفیت تمدنی که می‌تواند در دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران اثر مثبت گذاشته و در آخر هم قدرت نرم آن را افزایش دهد (سیمبر، ۱۳۹۶: ۵۱). بر اساس طبقه‌بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، برخی از شاخص‌های اصلی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قالب طبقات ذیل تفکیک شده است:

- ۱- مکتوب (شامل کتاب، نشریات ادواری و غیر ادواری، کتابخانه‌ها، چاپ و آموزش).
- ۲- رادیو و تلویزیون، سینما و عکس - نمایش (تئاتر).
- ۳- موسیقی - ادبیات - معارف - میراث فرهنگی - ورزش - گردشگری - هنرهای تجسمی - محیط زیست - فعالیت‌های فرهنگ فرهنگی خارج از کشور.
- ۴- بودجه فرهنگ (صالحی‌امیری و محمدی، ۱۳۹۵: ۲۳۳).

این شناسه‌ها در مسیر عملکردهای فرهنگی دولت بوده و ابعاد فرهنگی و عمومی فرهنگ جمهوری اسلامی ایران را نمایان می‌سازد. همچنین رویکردهای بالا می‌تواند در جهت اهداف پژوهش در زمینه فرهنگ، سنجش و اندازه‌گیری شود. به این ترتیب، این هنر جمهوری اسلامی ایران است که بتواند به میزان کارکرد شاخص‌های شده، منافع خود را در راستای ارزش‌های جهانشمول قرار دهد و منافع ملی خود را در میان مفاهیم جهانی، بازتعریف کنند. از این رو، برای تبیین بیشتر مناسبات فرهنگی ایران، روابط این کشور با کشور آلمان را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

#### اهداف و عملکرد روابط فرهنگی ایران با آلمان در بستر رویکرد ژئوکالچری:

بی‌شک ملی‌شناخت هویت و فرهنگی در روابط متقابل سیاسی امری اجتناب‌ناپذیر است. تأثیرگذاری مستقیم فرهنگ و هویت ملی در سیاست خارجی هر کشور کاملاً مشهود است. ایران و بلاروس بر اساس مناسبات سیاسی سعی در تقویت روابط بر اساس پایه‌های اصیل فرهنگ ملی خویش را دارند. از این رو، فعالیت‌های فرهنگی دو کشور ایران با بلاروس دوجنبه دارد (حسن‌نژاد، ۲۰۱۴).

بر این اساس، دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آلمان از اراده خوبی در جهت گسترش روابط با یکدیگر برخوردارند. در واقع اراده قوی سیاسی مهم‌ترین عامل در جهت شکل‌گیری، گسترش، حفظ، تعمیق

و ارتقای روابط دو کشور قلمداد می‌شود. تاکنون مقامات ارشد دو کشور سفرها و دیدارهای متعددی با یکدیگر داشته‌اند و یادداشت تفاهات مختلفی را در حوزه‌های متعدد از جمله در حوزه علمی و فرهنگی با یکدیگر به امضا رسانیده‌اند که همگی گواه بر وجود عزم و اراده مشترک در همکاری‌های میان دو کشور است. این همکاری‌ها در چند بخش قابل توجه می‌باشد که عبارت است از:

- ۱- گسترش صنعت توریسم در روابط دو کشور.
- ۲- برقراری ارتباط میان نخبگان علمی، اجتماعی، هنری و فرهنگی دو کشور.
- ۳- ایجاد ارتباطات علمی و دانشگاهی میان نهادهای علمی دو کشور از طریق برگزاری کمیسیون‌های مشترک همکاری علمی و فنی.
- ۴- معرفی فرهنگ و هنر ایرانی از طریق برگزاری هفته‌های فرهنگی، هفته فیلم، نمایشگاه‌های کتاب، صنایع دستی، تبادل گروه‌های موسیقی، انتشار کتب و مقاله و ... در آلمان.
- ۵- برگزاری دوره‌های مختلف آموزش زبان فارسی و ایران شناسی (دهشیری و حسن‌نژاد، ۱۳۹۲: ۳۱).
- ۶- هدف گذاری نفوذ فرهنگی در جغرافیای اروپا به ویژه با کشور آلمان با تاکید بر روابط تاریخی و همسانی نژادی

#### الف- نقش توریسم

امروزه صنعت توریسم یکی از پردرآمدترین بخش‌های خدماتی کشورهایی است که سابقه تاریخی- تمدنی، فرهنگی و جاذبه‌های طبیعی و تفریحی دارند. این صنعت نه تنها کارگزار اقتصادی پر قدرت در تجارت بین‌الملل بلکه چارچوبی برای بهبود روابط بین‌الملل و آلتی برای فهم ماهیت روابط بین کشورها با فرهنگ‌های متفاوت در راستایی دستیابی به منافع ملی است (Ursache, 2015: 134). بر این اساس، ایران با تمدن عظیم چندین هزار ساله دارای میراث ارزشمند قومی، زبانی، فرهنگی، ابنیه‌های تاریخی و آداب و رسوم گوناگون قومی و ملی می‌باشد؛ که می‌تواند از این ابزار برای نزدیکی فرهنگ‌های ایران و آلمان با آموزش افراد درباره فرهنگ‌ها و محیط‌های دیگر، تعامل و ارتباطات میان فرهنگی را فراهم کند. چونکه با توسعه گردشگری و تعامل سازنده و موزون با آلمان از طریق درک آداب و رسوم ملی-قومی، سبک زندگی و محیط، سبب افزایش احترام به فرهنگ جامعه شود و تصورات غلط نسبت به کشور را با دادن فرصت به این کشورهای اروپایی برای آشنا شدن فرهنگ ملی از بین ببرد. در این زمینه می‌توان به افزایش فعالیت‌های ایران در زمینه جذب توریست از آلمان بویژه در سال‌های اخیر اشاره داشت. برای مثال، می‌توان به ورود نخستین هواپیمای گردشگری به ایران متشکل از ۳۴ پولدار آلمانی و بازدید از مشهد و شیراز اشاره نمود (فرارو، ۱۳۹۴/۶/۳۰). البته باید گفت که دو کشور تاکنون از این ظرفیت‌ها در سطح ملی و روابط دو جانبه به خوبی استفاده نکرده‌اند.

#### ب- نقش زبان



ایران همچنین در زمینه فرهنگی امتیاز تأثیرگذاری دارد و از دیرباز حلقه مهم اتصال بین فرهنگ‌های پرمایه قدیم بوده است. ایرانیان بر فرهنگ سایر ملت‌ها تأثیر زیادی گذاشتند و هنگام جذب بعضی از فرهنگ‌های دیگر، آگاهانه عمل کردند و جنبه‌های مثبت آنها را با تغییر و تحولات لازم پذیرفتند (Valiyeu, 2012: 1-2). بر همین اساس، اشتیاق برخی علم‌آموزان جوان آلمانی برای آشنایی با فرهنگ و زبان ایرانیان از یک سو و تلاش سفارت جمهوری اسلامی ایران جهت گسترش زبان فارسی از سویی دیگر و نیز ضرورت آموزش پایدار علمی برای تربیت متخصصین زبان‌دان برای بخش‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و فرهنگی باعث گردید آموزش زبان و ادبیات فارسی در مدارس و دانشگاه آلمان اجرایی شود.

در همین رابطه، در آلمان، آموزش زبان فارسی و مطالعات ایرانی در بیش از ۲۰ دانشگاه این کشور سابقه دارد. همچنین مراکز مطالعات ایران‌شناسی در آلمان که موضوعات مختلفی مانند اسلام‌شناسی، زبان‌شناسی و مطالعات خاورمیانه، را دنبال می‌کنند، فراوان است. دانشگاه‌های بن، بامبرگ، فرایبورگ، مؤسسه ایران‌شناسی دانشگاه برلین، بوخوم، نورنبرگ، فرانکفورت، هامبورگ، گوتینگن و مونیخ و چند مرکز و دانشگاه معتبر این کشور به امر ایران‌شناسی و مطالعه بر روی آثار ادبی ایران و حتی آموزش زبان فارسی اهتمام دارند. در این میان دانشگاه گوتینگن، یکی از مراکز مهم تحقیق در باره ایران و ایران‌شناسی و یکی از قدیمی‌ترین مراکز تدریس زبان و ادبیات فارسی در آلمان به حساب می‌آید. کما این که در کتابخانه‌ها، موزه‌ها، دانشگاه‌ها و مراکز شرق‌شناسی آلمان، صدها نسخه خطی و چاپی فارسی موجود است.

همچنین در سال ۱۳۹۵، سنای فدرال آلمان در مصوبه‌ای، آموزش زبان فارسی را در چارت مدارس تمام ۱۶ ایالت این کشور در کنار زبان‌های فرانسه و انگلیسی تا سطح دیپلم به رسمیت شناخت. از این پس زبان فارسی در تمام ایالات آلمان در چارت درسی مدارس به رسمیت شناخته می‌شود، حتی اگر در ایالتی تدریس نشود. این طرح در ایالت مکلنبورگ فورپوم با ۵/۶ میلیون یورو برای احیای روحیه و حس تعلق بیشتر به وطن، یعنی همان ایالت، حمایت می‌شود. با این مصوبه سنای آلمان، تمام ایرانیان و فارسی‌زبانان می‌توانند از زبان مادری به عنوان یک واحد درسی، که نتایج آزمون‌های آن در کارنامه تحصیلی‌شان رسماً درج و قابل استناد خواهد بود، به عنوان زبان دوم و یا سوم بهره ببرند. به نظر می‌رسد، با توجه به جمعیت ۳۰۰ هزار نفری ایرانیان مقیم و بیش از نیم میلیون نفری فارسی‌زبانان در آلمان، فضای جدیدی برای فراگیری زبان فارسی در این کشور پیشرفته اروپایی فراهم شود (خیرگزاری تسنیم، ۱۳۹۶/۸/۲۶). بنابراین می‌توان ادعا کرد که اهرم‌ها و ظرفیت‌های زبان فارسی می‌تواند موجب ارتباطات فرهنگی بیشتر با آلمان گردد و در این راستا توجه ویژه سیاستگذاران را می‌طلبد.

### ج- سند تفاهات علمی

یکی از شاخص‌های دیپلماسی فرهنگی یک کشور، امضای سند تفاهات علمی با کشورهای دیگر و بسط همکاری‌های مشترک علمی است. در واقع، وظایف رایزنی‌ها علمی کشورها برقراری ارتباطات علمی بین

دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی کشور فرستنده با کشور پذیرنده‌ی رایزن علمی می‌باشد (srib.by,2012). بر این اساس جمهوری اسلامی ایران از دو طریق انعقاد سند همکاری های علمی و فراخوان مشترک همکاری- های پژوهشی مباردت به اعمال دیپلماسی علمی و فرهنگی نموده است. در این زمینه می‌توان به امضای سد تفاهمات علمی بین دانشگاه‌های هنر ایران و آلمان اشاره نمود که با سفر رئیس دانشگاه هنر با دانشگاه و دفتر روابط بین الملل و تبادلات آکادمیک دانشگاه موسیقی و هنرهای نمایشی فرانکفورت آلمان در آبان ۱۳۹۶ اشاره نمود.

▪ علاوه بر این، در ششم دی ماه ۱۳۹۷ اولین فراخوان مشترک وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران با وزارت فدرال آموزش و پژوهش آلمان (BMBF) برای تبادل محققان و اجرای پروژه‌های مشترک اعلام شد. ایجاد همکاری‌های جدید یا توسعه همکاری‌های قبلی میان شرکای ایرانی و آلمان، آماده سازی برنامه‌های کاربردی جهت توسعه همکاری برای پروژه‌های مهم تحقیقاتی که قابل ارائه و دریافت حمایت مالی مانند حمایت مالی اتحادیه اروپا، افق اروپا، سازمان‌های حامی پژوهش کشور آلمان (DFG) و یا فراخوان‌ها و برنامه‌های مختلف از دیگر رویکردهای این فراخوان است (Iran-Germany Joint Meeting on Academic Cooperation and Scientific Exchanges was held in UT, September 8, 2018)

بنابراین می‌توان گفت که محافل علمی و دانشگاهی از جمله بخش‌هایی هستند که تاثیرات مهمی در روابط فرهنگی دارند؛ زیرا محافل علمی با برگزاری کنفرانس‌های علمی، پذیرش دانشجوی، تبادل استاد و هیات‌های علمی، ایجاد فرصت‌های مطالعاتی، تشکیل انجمن‌های علمی، ایجاد وب سایت، چاپ کتاب و نشریات و... می‌توانند نقش موثر و مهمی در روابط فرهنگی دو کشور ایفاء نمایند.

### و- فعالیت‌های فرهنگی و هنری

ایجاد مراکز فرهنگی - هنری در خارج از کشور سبب تقویت فرهنگ ملی یک کشور است و وظایف مهمی همچون برگزاری همایش‌ها، آیین‌ها، مراسم ملی و مذهبی و تقویت روحیه ملی و معنوی را داراست. این رویداد مهم فرهنگی و هنری نمایشگاهی متشکل از آثار هنری ایران شامل، تابلو فرش و صنایع دستی، نقاشی قهوه خانه‌ای همچون کارگاه‌هایی مشتمل بر، منبت، معرق، سفالگری، قلم زنی، آیینه کاری، گچکاری و نیز موسیقی زنده ایران می‌باشد (حسن‌نژاد، ۲۰۱۴).

بر این مبنای، علایق مردم و روشنفکران آلمانی به دستاوردهای فرهنگی ایران سبب گردید که در سال‌های نخست روابط سیاسی، همکاری‌های علمی و فرهنگی خوبی بین دو کشور شکل بگیرد که می‌توان به برگزاری جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها، هفته‌های فرهنگی هنری، صنایع دستی، فیلم، کتاب و مطبوعات، تئاتر و موسیقی، برگزاری کنفرانس‌های علمی و فرهنگی اشاره کرد (دهشیری و حسن‌نژاد، ۱۳۹۲: ۳۵).

شایان ذکر است که فعالیت‌های فرهنگی و هنری ایران در آلمان طی سال‌های اخیر با شتاب بیشتری صورت گرفته است. از مهم‌ترین این فعالیت‌ها، حضور در نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت می‌باشد. این نمایشگاه

هر سال در ماه اکتبر در نمایشگاه تجارت «فرانکفورت» برگزار می‌شود. سه روز اول نمایشگاه مربوط به بازدیدکنندگان خاص است و دو روز پایانی مخصوص بازدید عموم است. اسپانسر این نمایشگاه شرکت‌های انتشاراتی کشور «آلمان» و مؤسسه فروشندگان کتاب است. در این راستا، در هفتادمین نمایشگاه کتاب فرانکفورت کتاب‌های ۱۷۸ ناشر ایرانی شامل ۱۰۷ ناشر عضو تشکل‌های نشر و همچنین ۶۶ ناشر از سوی سه آژانس ادبی و همچنین ۲۳ ناشر که به طور مستقیم در این دوره حضور داشتند، به نمایش گذاشته شد. غرفه ملی جمهوری اسلامی ایران همانند سال‌های گذشته از طریق مؤسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران و با مشارکت تشکل‌های صنفی نشر و ناشران در دو غرفه با متراژ ۲۲۲ مترمربع برپا شد. (تجارت نیوز، ۱۳۹۷/۹/۱۲).

علاوه بر این می‌توان به حضور ایران در نمایشگاه فرش دموتکس آلمان اشاره داشت که همه ساله با حضور بزرگان این صنعت و اکثر شرکت‌های تولیدکننده، در شهر هانوفر برگزار می‌گردد. در این رابطه، شرکت‌های ایرانی تولیدکننده فرش دستباف در نمایشگاه سال ۲۰۱۸ موفق به دریافت چهار تندیس گردیدند. علاوه بر این، حضور فیلمسازان ایرانی در جشنواره فیلم لایپزیک و جشنواره فیلم برلین و حضور فیلمسازان آلمانی در جشنواره فیلم فجر و نیز حضور چند گروه باستان‌شناسی در ایران و چند نمایشگاه از هنرهای ملی ایران در آلمان از جمله مابقی روابط فرهنگی به‌شمار می‌روند. بنابراین، دو کشور می‌توانند با تلاش مشترک فرهنگی و هنری برای حفاظت از منافع در سطوح دو جانبه، چندجانبه، منطقه‌ای، بین‌المللی و گسترش همکاری‌ها و تعمیق آن، سطح روابطشان را ارتقاء دهند (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۷/۹/۲۵).

#### د- نفوذ ژئوکالچری

براساس آنچه گفته شد، باید اشاره داشت که در دیدگاه ژئوکالچری، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، در خدمت افزایش نفوذ آن و ابزاری جهت تجمیع قدرت دولت با تاکید بر ارزشهای مشترک فرهنگی در جغرافیای خاص است. بدین ترتیب، هدف اصلی ژئوکالچری جمهوری اسلامی ایران در پیشبرد دیپلماسی فرهنگی در سراسر جهان، به ویژه در قبال جمهوری فدرال آلمان، افزایش عمق نفوذ فرهنگی جهت پیشبرد رویکرد فرهنگ محور در سیاست خارجی و ارائه تعریف جدیدی از یک کارگزار بین‌المللی است. در این مفهوم، جغرافیای جمهوری فدرال آلمان، به عنوان واحد پذیرای ارزش‌های فرهنگی ایران، به عنوان بستری از فرصت‌ها برای گسترش نفوذ فرهنگی، رشد بنیان قدرت نرم، و اهرمی جهت هدف دهی به سیاست خارجی دولت هدف در قبال ایران با استفاده از ابزار فرهنگی می‌باشد.

لذا باید توجه داشت که موفقیت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در رویکرد ژئوکالچری مبتنی بر تغییرات تجربی در رفتار دولت آلمان در قبال ایران گسترش ارتباط مردمی جهت تاثیرگذاری بر رفتار دولت هدف می‌باشد. اما در عمل، ما شاهد نوعی سطحی‌نگری و عدم ورود به عمق روابط با هدف تاثیرگذاری بر رفتار طرف مقابل نبوده‌ایم و دائماً در حال تنظیم مجدد روابط فرهنگی بدون توجه به اهمیت بسط رویکرد

ژئوکالچری و افزایش قدرت نرم در سیاست خارجی خود در قبال جمهوری فدرال آلمان بوده‌ایم. همین عامل، موجب فاصله‌گذاری و نبود درک واقعی مبتنی بر منافع مشترک و علقه‌های فرهنگی میان ایران و آلمان شده است.

### نتیجه‌گیری

در بازخوانی و بررسی عملکرد روابط فرهنگی بین دو کشور ایران و آلمان نقاط ضعف و قوت متعددی مشاهده می‌گردد. زیرا فعالیت‌ها فرهنگی عمدتاً جنبه‌آشنایی سطحی و زودگذر داشته‌اند تا جنبه ساختاری و پایه‌ای لذا عدم پژوهش و شناخت فرهنگی یکی از مشکلات دو کشور است. بر همین اساس این تعاملات و مناسبات فرهنگی همانند روابط سیاسی و اقتصادی در طول ۲۵ سال گذشته پیشرفت نداشته است و جایگاه و نگاه ویژه‌ای در بین دولتمردان دو کشور نیافته است. تأیید این سخن را بایستی در عملکرد فرهنگی دو کشور مشاهده کرد.

از یک سو جمهوری اسلامی ایران در عرصه روابط فرهنگی فعالیت‌هایی را انجام داده است؛ ولی منظم و دارای هدف منسجم و تخصصی نبوده است. زیرا از یک سو پس از چهار دهه، ارتباطات فرهنگی ایران با آلمان به حوزه‌های خاص محدود می‌باش؛ و از دیگر سوی دیگر جمهوری آلمان در حوزه فرهنگ نه برنامه قابل توجهی در ایران اجرا کرده است و نه فردی را به عنوان مسئول فرهنگی در سفارت خویش در تهران منصوب نموده است.

همچنین، از عمده‌ترین دلایل عدم پیشرفت روابط فرهنگی می‌توان به فقدان موافقت‌نامه فرهنگی بین دو کشور اشاره کرد؛ زیرا موافقت‌نامه‌های فرهنگی اساس و مبنای همکاری دو کشور در فعالیتهای فرهنگی-هنری می‌باشد. لذا پس از امضای این سند مهم و راهبردی بین دو کشور برنامه‌ریزی سالانه‌ای در قالب برنامه مبادلات صورت می‌پذیرد و بخش‌های علمی، فرهنگی، توریستی، ورزشی، تاسیس انجمن دوستی، کرسی‌های تدریس زبان، کرسی‌های ایرانشناسی، اهدای بورس تحصیلی، تبادل استاد و دانشجو، برگزاری منظم هفته‌های فرهنگی، همایش‌های فرهنگی، همکاری‌های مشترک رادیویی و تلویزیونی، مشارکت در ساخت فیلم و سریال و سایر مسائل فرهنگی که همگی موثر در روابط فرهنگی و تاثیرگذار بر عرصه‌های روابط سیاسی و اقتصادی خواهند بود، مورد تأیید، تأکید و تعهد دو کشور جهت اجرا قرار خواهند گرفت.

به این ترتیب، باید اشاره کرد که نه تنها دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری فدرال آلمان دارای وجوه رویکرد ژئوکالچری نبوده است، بلکه دائماً در سطحی بسیار پایین، تلاش شد تا روابط فرهنگی حفظ شود. این یعنی، هدف اصلی پیشبرد سیاست دیپلماسی فرهنگی افزایش قدرت و نفوذ ژئوکالچری مبتنی بر قدرت نرم نبوده است، بلکه عموماً نگاهی گذرا و دفع‌الوقتی به دیپلماسی فرهنگی ایران در قبال آلمان وجود داشته است.

### منابع

اژدری، لیلا و علی اکبر فرهنگی، محمدرضا صالحی امیری و محمد سلطانی فر (۱۳۹۶)، «مدل دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات فرهنگ-ارتباطات، دوره هیجدهم، شماره سی و هشتم، تابستان.

اظه‌ری، علیرضا، عزتی، عزت اله و نامی، محمد حسن (۱۴۰۱)، جایگاه دیپلماسی انرژی به عنوان محور ژئواکونومیک ایران، در رویکرد امنیت و توسعه در تعامل با نظام جهانی. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه ای) 12(4), 962-976. doi: 10.22034/jgeoq.2022.346083.3733

بصیری، محمد علی و فهیمه خوانساری فرد (۱۳۹۵)، «تبیین جایگاه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره سی و پنجم، تابستان. بولتن گزارش برگزاری هفته فرهنگ و هنر ایران (۱۳۹۰)، جلد ۱۱، بولتن سفارت جمهوری اسلامی ایران، فرانکفورت.

بیات، فرهاد (۱۳۸۹)، مناسبات و اسناد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

پولدارهای آلمانی در ایران (۱۳۹۴)، خبرگزاری فرارو، ۳۰ شهریور، در: <https://fararu.com/fa/news/247417/> (زمان دسترسی به سایت: ۱۳۹۷/۹/۱۲).

جعفری، علی اکبر و براریان، محمد (۱۳۹۸)، «جایگاه دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز»، مجله بین المللی پژوهش ملل، دوره ۴، شماره ۴۰، ۲۴-۷.

جمعیت نیم میلیون نفری فارسی زبانان در آلمان (۱۳۹۶)، ۲۴ آبان، خبرگزاری تسنیم، در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/08/24/1573844/> (زمان دسترسی به سایت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۸).

حسن خانی، محمد حسن (۱۳۸۴)، «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در کشورها»، فصلنامه دانش سیاسی، شماره دوم، پاییز و زمستان.

دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳)، دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات علمی فرهنگی. دهشیری، محمدرضا و عبدالرحیم حسن نژاد (۱۳۹۲)، «روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران (۲۰۱۳-۱۹۹۱)» پژوهشنامه روابط بین الملل، شماره ۳۳، تابستان.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، روح الله طالبی آرانی و مرتضی نورمحمدی (۱۳۹۲)، نظریه فرهنگی روابط بین الملل، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۷)، چارچوبی مفهومی برای ارزیابی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.

رضایی، علی‌اکبر و محمدعلی زهره‌ای (۱۳۹۰)، *دیپلماسی فرهنگی: نقش فرهنگ در سیاست خارجی و ارائه مدل راهبردی*، تهران: پژوهش‌های اندیشه.

سیمبر، رضا (۱۳۹۶)، «انقلاب اسلامی و دیپلماسی فرهنگی: از نظریه تا عمل»، *فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام*، شماره ۱۴، پاییز.

سیمبر، رضا و احمد علی مقیمی (۱۳۹۴)، «منافع ملی و شاخص‌های دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره چهارم، شماره ۱، بهار.

علویان، مرتضی و براریان، محمد (۱۳۹۸). «بررسی جایگاه دیپلماسی فرهنگی در همگرایی کشورهای اسلامی»، *مجله بین‌المللی پژوهش ملل*، دوره ۴، شماره ۴۲، ۱۶-۱۷.

علویان، مرتضی و براریان، محمد (۱۴۰۰). «رویکرد دیپلماسی فرهنگی و صلح‌سازی در فضای جهانی شدن»، *مجله بین‌المللی پژوهش ملل*، مهر ۱۴۰۰ شماره ۶۸.

قربیبی، حسین، طباطبایی، سید محمد و کیوان حسینی، سید اصغر (۱۴۰۱)، *سازوکارهای جهانی با منطق ژئوپولیتیکی مقابله با تامین مالی تروریسم و جایگاه جمهوری اسلامی ایران*. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای) 12(2), 733-756. doi: 10.22034/jgeoq.2022.320816.3486

مرتضایی، شیدا، مجتهد زاده، پیروز و عزتی، عزت‌اله (۱۳۹۸)، *دیپلماسی گردشگری و رونق گردشگری در منطقه مکران: مطالعه موردی روابط ایران با همسایگان شرقی*. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای) 9(3) 561-582.

نمایشگاه دموتکس آلمان میزبان فرش ایرانی (۱۳۹۷)، ۱۲ آذر، در: <https://tejaratnews.com/> (زمان دسترسی به سایت: ۱۵/۱۰/۱۳۹۷).

“Iran-Germany Joint Meeting on Academic Cooperation and Scientific Exchanges was held in UT” (2018), September 8, At: <https://ut.ac.ir/en/news/6198/iran-germany-joint-meeting-on-academic-cooperation-and-scientific-exchanges-was-held-in-ut>, (Accessed on: 3 January 2019).

Barshcheuski, Lavon (2011), “A Report on the Condition of NGOs and Independent Culture in Belarus”, Kultura Enter.

Fokin, Vladimir Ivanovich, Sergey Sergeevich Shirin, Julia Vadimovna Nikolaeva, Natalia Mikhailovna Bogolubova, Elena Eduardovna Elts, Vladimir Nikolaevich Baryshnikov (2017), “Interaction of cultures and diplomacy of states”, *Kasetsart Journal of Social Sciences*, available at: journal homepage: <http://www.elsevier.com/locate/kjss> [http://www.srib.by.\(2012/07/02\)](http://www.srib.by.(2012/07/02)).

Lawson, Marian L (2018), “The Peace Corps: Current Issues”, *Congressional Research Service*, available at: <https://fas.org/sgp/crs/misc/RS21168.pdf>

Luke, Christina (2013), *US Cultural Diplomacy and Archaeology: Soft Power, Hard Heritage*, published by: Routledge.

mclory, Jonathan (2017), “The Soft Power 30”, established in: The USC Center on Public Diplomacy.

Rösch, Felix & Richard ned lebow (2017), “A Contemporary Perspective on Realism”, Published at: <https://pureportal.coventry.ac.uk/en/publications/a-contemporary-perspective-on-realism>

Stokowski, Diana (2015), “Culture in International Relations Defining Cultural Diplomacy”, *Polish Journal of Political Science*, Vol. 1, Issue 3.

Ursache, Mara (2015), “Tourism – Significant Driver Shaping a Destinations” Published by Elsevier Ltd. This is an open access article under the CC BY-NC-ND license.

Valiyev, Anar M. (2012), “Azerbaijan-Iran Relations: Quo Vadis, Baku?”, *Ponars Eurasia Policy Memo*, Vol. 25., No. 244.





*Geoculture approach and explaining the position of cultural diplomacy of the Islamic Republic of Iran in relations with Germany*

*Mohammad Berarian*

Master of Political Science, University of Mazandaran

*Morteza Alavian<sup>1</sup>*

Associate Professor of Faculty of Law and Political Sciences of Mazandaran University

***Abstract***

In the scope of international relations, cultural diplomacy has found a special place in the direction of developing relations and communications between countries and has caused alignment between governments and nations. In this regard, the most important bases of joint cooperation between the Islamic Republic of Iran and Germany, which has led to the expansion of relations between the two countries, is that both countries have placed cultural diplomacy at the top of their relations in the field of foreign policy. In fact, cultural diplomacy as one of the tools for the use of soft power in supporting the foreign policy of the countries, which is responsible for the art of strengthening and obtaining the national interests of the countries, in providing platforms for joint cooperation, understanding and introducing cultures and exchanges. Cultural values and establishing good relations between governments have a significant impact; With this approach, the geocultural position of countries is determined through cultural influence in global geography. With these interpretations, this research seeks to find out what effect cultural diplomacy has had on Iran's relations with Germany in the geocultural structure of the Islamic Republic of Iran. The findings of the research, by collecting information through library and documentary methods and analyzing information and explanatory methods, show that cultural diplomacy increases the level of cooperation between the two countries in various fields and increases the influence of Iran's geoculture in the Federal Republic of Germany.

***Keywords: cultural diplomacy, geoculture, foreign policy, Iran, Germany, soft power, cultural industry.***

---

<sup>1</sup> . **Corresponding Author:** M.alavian@umz.ac.ir